

بررسی تاثیر تعليم و تربيت بر فرآيند هويت يابی در کودکان دبستانی

الهام صالحی فر^۱، زهرا اسکندری^۲

^۱ کارشناس مشاوره و راهنمایی، آموزگار مقطع ابتدایی.

^۲ مدیرمسئول موسسه تحقیقاتی تلاطم فکر و پندار اراک.

نام نویسنده مسئول:

الهام صالحی فر

چکیده

امروزه تکاپوی جوامع در شناسایی عناصر و مولفه های هویتی خود بیشتر شده است، به طوری که برخی از جوامع قدرتمند با در اختیار گرفتن رسانه های جمعی و ارتباطی در صدد اشاعه این عناصر بر جوامع ضعیف تر هستند. طبیعتاً جامعه ای که نسبت به هویت خویش و مولفه های آن آگاه نبوده در برابر این جوامع قدرتمند رنگ می بازد و بحران های هویتی گریبانگیر آن خواهد شد. (لطف آبادی ۱۳۸۱) در این میان تعليم و تربيت نقش بسزایی در فرآیند هويت يابی ایفا می نمایند.

از اینرو این پژوهش، باهدف بررسی تاثیر تعليم و تربيت بر فرآیند هويت يابی در کودکان دبستانی انجام پذیرفته است. روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی است، ولی از نظر نحوه گردآوری داده ها می توان آن را در زمره تحقیقات کیفی تلقی نمود که به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. روش نمونه برداری به صورت هدفمند و ابزاراندازه گیری و جمع آوری داده ها به صورت فیش برداری و روش تجزیه وتحلیل به صورت اسنادی - تحلیلی بود. **واژگان کلیدی:** عملکرد خانواده، دلزدگی زناشویی، حل مشکل، آمیزش عاطفی، همراهی عاطفی.

مقدمه

روش پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی است، ولی از نظر نحوه گردآوری داده ها می توان آن را در زمره تحقیقات کیفی تلقی نمود که به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. روش نمونه برداری به صورت هدفمند و ابزاراندازه گیری و جمع آوری داده ها به صورت فیش برداری و روش تجزیه وتحلیل به صورت اسنادی - تحلیلی بود.

مفهوم شناسی واژه های کلیدی

• **هویت:** کلمه هویت از نظر لغوی به معنی « هستی، وجود، ماهیت و سرشت » و ریشه لغوی آن از واژه « هو » گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد (فرهنگ معین، ۱۳۷۹) و در حوزه انسانی موجب شناسایی فرد و اجتماع از دیگری می شود؛ یعنی مجموعه خصائل و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می شود و از دیگران متمایز می گردد. (تاجیک، ۱۳۸۲) این تعریف دو معنای اصلی و متناقض دارد: اولین معنای آن بیانگر تشابه مطلق است: این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد. به این ترتیب، مفهوم شباهت از دو زاویه راه می یابد، و مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد و اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تمایز. (جنکینز، ۱۳۸۱) (لطف آبادی، ۱۳۸۹)

• **فرآیند هویت یابی:** فرایند هویت یابی (رسیدن به درک هویت خویش)، روندی است پنهانی که از همان ابتدای کودکی آغاز می شود و اوج یا ظهور عینی آن که در پی تکمیل و رسیدن به هویت است. هویت هایی که در اوان زندگی اختیار میشوند در قیاس با هویت هایی که متعاقب آن کسب می گردد، مقتدرانه تلقی می شوند. (جنکینز، ۱۳۸۳)

• **آموزش:** آموزش در کتاب های لغت فارسی به معنی یاد دادن، تعلیم و آموختن تعریف شده است. در اصطلاح، برای آموزش تعریف های متعددی شده است. راغب در مفردات می نویسد: «التَّعْلِيمُ اخْتَصَّ بِمَا يَكُونُ بَتَكْرِيرٍ وَ تَكْثِيرٍ حَتَّى يَحْصُلَ مِنْهُ أَثَرٌ فِي نَفْسِ الْمُتَعَلِّمِ»؛ آموزش آن است که با تمرین و تکرار زیاد، از آن اثری در ذهن و نفس دانش آموز پدید می آید. آموزش در قالب و شرایط ویژه ای صورت می گیرد که عبارتست از: فعالیتهایی که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح ریزی می شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل شکل می گیرد. (بناری و سیف، ۱۳۶۸ نقل شده در رحمانی، ۱۳۹۵)

• **اصول:** اصول جمع اصل، واژه ای است عربی به معنای بیخ، بنیاد، ریشه، پایه و بن هر چیزی. سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) که متناسب با ظرفیت های انسان انتخاب و به منظور تعیین روشهای تربیتی برای دستیابی به اهداف مورد توجه قرار می گیرد. (رحمانی، ۱۳۹۵)

بنابراین می توان فواید زیر را برای اصل تربیتی شمرد:

- ✓ تاثیر در نیل به هدف تربیتی
- ✓ انعطاف در روش ها

✓ محوریّت اصول در ایجاد ارتباط منطقی بین عناصر تربیتی (همان)

• **روش:** روش در کتاب های فارسی معانی گوناگونی دارد؛ نظیر: طرز، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و راه. در عربی نیز معادل با کلمات «المنهج» و «المنهاج» و یا «الطریق الواضح» (راه روشن) آمده است. روش در اصطلاح به معنای «راه انجام هر کاری» است. از این رو، روش تدریس نیز عبارت از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می باشد. مقصود از روش در این بحث عبارت است از سازوکارها و شیوه های ایجاد یا دگرگون سازی رفتار و ویژگی های کودک که در مقایسه با اصول مشخص تر و کاربردی تر است.

• برنامه درسی چندفرهنگی: برنامه درسی چندفرهنگی، مفهومی انسانی است مبتنی بر نقاط قوت تنوع، حقوق بشر، عدالت اجتماعی. این نوع آموزش برای تامین عدالت آموزشی لازم بوده و شامل اقداماتی میشود که برای گنجاندن صدای تمامی فرهنگهای موجود در یک نظام آموزشی انجام میپذیرد. این نوع آموزش، جامعه متکثر فرهنگی را به عنوان نیروی مثبت تلقی نموده و تفاوتها را به عنوان فرصتی برای درک بهتر جامعه جهانی با آغوش باز میپذیرد.^۱

^۱ کمیسیون آموزش چندفرهنگی (ASCD)، ۱۹۹۴.

ویژگی های کودکان دبستانی

شناخت صحیح استعدادها، توانایی ها، کاستی ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر آموزش و پرورش به شمار می آید. از اینرو در ادامه ویژگی کودکان دبستانی را از منظر مختلف مورد توجه و باینی قرار میدهم. مهمترین مشخصه های رشد در این دوران به شرح زیر است:

دوره سوم کودکی که شش تا دوازده سالگی را در بر می گیرد، به دوره دبستانی معروف و آغاز آموزش رسمی کودک است. کودک در این دوره، خواندن، نوشتن و حساب کردن را می آموزد، علاقمند است کارهایش را خوب انجام دهد، محتاطانه عمل می کند، اعتماد به نفس دارد و می خواهد هر کاری را خودش تجربه کند.

۱- رشد جسمانی کودکان در دوره دبستانی

رشد جسمانی در دوره دبستانی نسبتاً کندتر از دوره های قبل است. قد کودک شش ساله تقریباً ۱۱۲ سانتی متر و وزنش ۲۲ کیلوگرم است. در دوازده سالگی قد تقریباً به ۱۵۰ سانتی متر و وزن به ۴۵ کیلوگرم می رسد. تا ده سالگی، پسران از دختران اندکی بلند تر و سنگین ترند، ولی در پانزده سالگی پسران از دختران پیشی می گیرند. در دوره دبستانی، نسبت و شکل اندامهای بدن به بزرگسالان شبیه و استخوانهای بدن سفت می شود. اولین دندانهای دائمی در حدود شش سالگی می رویند و تقریباً تا دوازده سالگی کامل می شوند. در این دوره، به تدریج بر فشارخون کودک افزوده می شود و ضربان قلب کاهش می یابد در رشد جسمانی کودکان دبستانی تفاوت های کمی و کیفی وجود دارد. پسران بیشتر بافتهای ماهیچه ای و دختران بافتهای چربی دارند. در این دوره، احتمال پوسیدگی دندانها و پیدایش بیماریهایی نظیر رماتیسم قلبی، دیابت، فلج و انواع حساسیتهای افزایش می یابد. سلامت جسمانی در سازگاری عاطفی و اجتماعی کودک موثر است و بیماریهای طولانی موجب گوشه گیری کودک می شود.

۲- رشد حرکتی کودکان در دوره دبستانی

به موازات رشد عصبی - عضلانی، قدرت بدنی کودک افزایش می یابد و حرکات او هماهنگ و موزون می شود و انجام دادن اعمال پیچیده به طور منظم میسر می گردد. حرکات پسران سریع تر و هماهنگ تر از اعمال دختران است. دختران در اعمالی که به استفاده از ماهیچه ظریف نیاز دارد، نظیر نقاشی، خیاطی و بافندگی بر پسران ارجحیت دارند. پسران نیز در فعالیتهایی که به کاربرد ماهیچه های درشت نیاز دارد، نظیر پرش و پرتاب چوب بر دختران برتری دارند.

۳- رشد ذهنی کودکان در دوره دبستانی

رشد ذهنی در دوره دبستانی سریع تر است و به تدریج مهارت حل مسئله حاصل می شود. تجربیات وسیعی که کودک به مرور زمان در این مرحله کسب می کند، به او امکان می دهد تا بتواند رابطه علت و معلولی بین پدیده ها را بهتر از سالهای قبل درک کند. رشد ذهنی کودک در مرحله عملیات محوس قرار دارد که در آن، فعالیت کودک با محیط، عینی و محسوس است، کودک توانایی انجام دادن اعمال منطقی را کسب می کند، می تواند درباره امکان انجام دادن اعمال از طریق کوشش و خطا ندارد، درک مفهوم بقای ماده، عدد، وزن، حجم و همچنین توانایی طبقه بندی و ردیف کردن را به دست می آورد.

کودک در دوره دبستانی به چندین مهارت مهم ذهنی از جمله بازگشت پذیری ذهنی نگهداری ذهنی و استدلال دست می یابد. در بازگشت پذیری، کودک در هر لحظه می تواند به نقطه آغاز برگردد و آگاهانه عمل را تکرار کند و با تشکیل فرضیه هایی به پیش بینی نتایج بپردازد و با استفاده از قضیه عکس از درستی عملکردش مطمئن شود. بازگشت پذیری در اعمال ریاضی و پدیده های فیزیکی کاربرد فراوان دارد.

از طریق نگهداری ذهنی کودک واقعیت را بهتر میشناسد و پی میبرد که تغییرات ظاهری، اندازه و ماهیتش را مساوی را برهم نمیزند. کودک از طریق استدلال آماده تفکر منطقی میشود و به تدریج پی میبرد که اگر "الف" از "ب" و "ب" از "ج" بزرگتر باشد، در این صورت "الف" از "ج" بزرگتر است. کودک دبستانی، قوانین را از طریق استدلال کشف می کند و از طریق تجربه از روابط حاکم بین اشیاء آگاه می شود. کودکان نیروی اندیشه و استدلال را از طریق آزمایش و تجربه افزایش می دهند. اگر آنان به نحو شایسته ای راهنمایی شوند و در زمینه تفکر منطقی نمونه های عینی یا قابل درکی را مشاهده کنند، قوه اندیشه و استدلالشان پیشرفت بیشتری خواهد کرد. کودکانی که تجارب عینی بیشتری دارند، می توانند معلومات خود را بهتر و دقیق تر سازمان دهند. کودک دبستانی به تدریج رابطه علت و معلولی بین پدیده ها را جستجو می کند و علل مرموز و ناشناخته را مردود می شمارد. برای نمونه، به نظر یک کودک پنج ساله خشم آسمان موجب رعد و برق می شود، در حالی که همین کودک در یازده سالگی، در صدد کشف رابطه علت و معلولی برای رعد و برق بر می آید.

۴- رشد عاطفی کودکان در دوره دبستانی

کودک دبستانی از اینکه مبادا مورد توجه و محبت والدین و معلمان و همبازیهایش قرار نگیرد مضطرب و نگران می شود، به همین دلیل برای جلب توجه به تقلید از رفتار اطرافیان و همانندسازی با آنان می پردازد. ترس، حسادت، رقابت و پرخاشگری بین کودکان دبستانی

شایع است و در هر مورد باید با آنان به طریق مناسبی برخورد شود، در غیر این صورت کودک به استفاده از ساز و کارهای دفاعی و رفتارهای مزاحم متوسل و عملکردش مختل می شود. در این دوره، اظهار وجود و استقلال طلبی و خرده گیری حساسیت نشان می دهد، از تاریکی و تنهایی می ترسد و از تمسخر و ریشخند رنج می برد. کودکان دبستانی از شادی و سازگاری نسبتاً خوبی برخوردارند و می آموزند که چگونه واکنشهای عاطفی و هیجانی خود را، به خصوص خارج از خانه، کنترل کنند. واکنشهای عاطفی کودک دبستانی بیشتر حالت زبانی و کلامی به خود می گیرد و رمزی و غیر مستقیم می شود.

کودک شش ساله بسیار احساساتی است و به صمрт دوگانه عمل می کند، یعنی ممکن است در یک زمان شخص را دوست بدارد و در زمان دیگر از او بیزار باشد. او در عین چابکی و فعال بودن، بی قرار و ناآرام است و هنگام بازی با دوستانش به جنگ و گریز می پردازد. کودک در هفت سالگی نسبتاً آرام است و در موقعیتهای ناخواسته به جای دعوا لب به شکایت می گشاید و غرغرکنان خود را از صحنه کنار می کشد. به نظر کودک هشت ساله انجام دادن هیچ کاری مشکل نیست و او فکر می کند از عهده انجام همه امور بر می آید. در کودک نه ساله اگر چه میل به استقلال شدید است، بسیار شکایت می کند و دلهره دارد. کودک ده ساله اطاعت کردن را دوست دارد و از خود توقع دارد که فرد منظمی باشد.

۵- رشد اجتماعی کودکان در دوره دبستانی

رشد اجتماعی کودک در دوره دبستانی بسیار سریع است و معلمان و همبازیها در آن نقش مهمی دارند. کودک در مدرسه علاوه بر تقویت آموخته های خانواده، مطالب جدید و روش زندگی را می آموزد. مدرسه، اجتماعی شدن کودک را تسریع می کند، روابط او را با دیگران گسترش می دهد، روش حل مسئله و انجام دادن صحیح امور را به کودک می آموزد و مهارتهای ذهنی او را تقویت می کند. دانش آموزان دبستانی به رقابت با یکدیگر می پردازند و می خواهند از دیگران پیشی بگیرند. رقابت کودکان که در ابتدا ملایم است به تدریج شدت می یابد و بر رشد اجتماعی آنان اثر می گذارد. دوستان و همکلاسیها در رشد اجتماعی کودک دبستانی تأثیر فراوان دارند. کودک از طریق ارتباط با دوستان علاوه بر کسب رضایت و تسلی خاطر به امکانات خود و نظرات دیگران پی می برد و روشهای همکاری و ارتباط با اطرافیان و حل مسئله را یاد می گیرد.

کودک هشت ساله پرجنب و جوش و فعال است و از انجام دادن کارهای جدید لذت می برد. کودک در نه سالگی برای مستقل شدن اصرار می ورزد و معتقد است که بزرگ شده است و والدین نباید به او دستور بدهند. کودک در ده سالگی از دستورات والدین تبعیت و نسبت به اطرافیان با محبت و صمیمیت رفتار می کند و در رفتارش انعطاف پذیر است.

۶- رشد اخلاقی کودکان در دوره دبستانی

در این دوره کودک پذیرش مقررات اجتماعی و قضاوت در مورد خوبی و بدی رفتار اطرافیان را آغاز می کند. او به هماهنگ شدن با معیارهای اخلاقی دیگران علاقمند است، زیرا بدان وسیله می خواهد رضایت آنان را به دست آورد و دختر یا پسر خوبی قلمداد شود. خانواده و مدرسه در این دوره در رشد اخلاقی سهم مهمی دارند. چنانچه بین نگرش والدین و مدرسه تضادی باشد، کودک میبوهت می شود و نمی تواند درباره رعایت کردن و انجام دادن یکی از آنها تصمیم مناسبی بگیرد. بنابراین باید بین مدرسه و خانواده ارتباط منظم و دایمی وجود داشته باشد و ارتباط آنها با کودک به طور هماهنگ انجام پذیرد. به نظر پیاژه بازی و تعامل کودکان با همسالان در رشد اخلاقی اهمیت بسیار دارد. کودک در هفت سالگی، مفاهیم اخلاقی را در می یابد و برای قواعد و مقررات بازیها اهمیت قائل می شود و اعمال دیگران را به صورت خوب یا بد بررسی و ارزیابی می کند.

تأثیر تعلیم و تربیت بر فرآیند هویت یابی

در نظام هویتی اجتماعات لایه های متعددی وجود دارد که میزان تعلق به برخی از لایه ها، بیشتر و واضح تر از لایه های دیگر است. (قیصری، ۱۳۸۳) انسان ها از لایه های متفاوت هویتی در سطح قوم، محل، شهر، کشور و غیره برخوردارند. این لایه ها وقتی گسترده تر می شوند که افراد از عضویت در گروه های مختلف اجتماعی نیز برخوردار باشند. بدون تردید هر یک از این عناصر بر هویت فرد تأثیرگذارند و وی نسبت به آن ها حساس است. این لایه ها در تعامل با یکدیگرند و با انباشت شان بر روی یکدیگر در مجموع هویت کلی فرد را شکل می دهند. (لطفی زاده، ۱۳۸۹)

این در حالست که به اعتقاد جنکینز (۱۳۸۱) هویت هایی که در اوان زندگی اختیار می شوند در قیاس با هویت هایی که متعاقب آن کسب می گردد، مقتدرانه تلقی می شوند.

با توجه به خصوصیات کودکان در مرحله دبستان، دو لایه متفاوت هویتی در کودکان دبستانی، مراکز دبستان و خانواده ها هستند. بنابراین در تبیین فرآیند هویت یابی توجه خود را معطوف به این دو لایه می نماییم

خانواده، بنیان زندگی اجتماعی و اولین کانون تربیت فرزندان است. نهاد خانواده اساسی ترین و اولین محیط اجتماعی شدن است. کودک از بدو تولد در دامن خانواده نشو و نما می یابد و سپس در کنار دیگر نهادهای اجتماعی شدن ارتباط خویش را با آن حفظ می کند. گرچه تاثیر خانواده امروزه به سبب جابه جایی نقش ها کم شده است؛ اما هیچگاه این تاثیر از بین نرفته است. از دیدگاه آنتونی گیدنز، "در جامعه امروزی اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می دهد.

پارسونز در ارتباط با نقش خانواده یادآور می شود که شخصیت انسان، مادرزاد نیست؛ بلکه یک فرآیند اکتسابی است و در اصل به همین دلیل است که خانواده یکی از نهادهای مهم و کلیدی به شمار می آید و شخصیت اصلی و اولیه انسان در این نهاد شکل می گیرد (جزایری، ۱۳۸۴، ۳۳).

خانواده در عین این که کوچکترین واحد اجتماعی است، اما مبنا و پایه هر اجتماع بزرگتری است. (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵) از میان عوامل موثر بر شکل گیری هویت افراد، هویت فردی، خانواده اهمیت زیادی دارد، زیرا خانواده محیطی است که در آن کودک به دنیا آمده، تحول خود را آغاز میکند، شخصیت اش پایه ریزی می شود. (نجفی علمی، ۱۳۸۳)

خانواده، اولین محیط تربیتی است که با الگوی مبتنی بر ارزش های خاص خود، کودک را برای جامعه پذیری تربیت می کند. الگوی خانواده در تمام طول زندگی، از نظر افکار، رفتار و تمایلات برای زندگی در جمع، به فرد جهت می دهد. (عسکریان، ۱۳۸۵) و او را صاحب هویت فردی می کند.

اما فرهنگ خانواده از فرهنگ قومی نشأت می گیرد، به طوری که کودک اولین بار با زبان مادری، که از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ قومی اوست، از طریق بیان مفاهیم تکلم می کند و در ایجاد ارتباط، مفاهیم فرهنگ قومی خود را به کار می برد. (همان)

از سوی دیگر اولین لایه ای که به طور رسمی کودک به واسطه آن وارد اجتماع می شود و در آن صاحب هویت جمعی می شود، مراکز پیش دبستانی است. در این لایه است که ضمیر «ما» کودکان که در ارتباط تنگاتنگ با «هویت جمعی» است و آنرا از «هویت فردی» مجزا می سازد شکل می گیرد و دارای هویت اجتماعی می شوند. این لایه از لحاظ عملکرد هم می تواند سبب تلفیق هرچه بیشتر «هویت فردی» با «هویت اجتماعی» شود و هم می تواند محلی برای تقابل این دو هویت. تناسب هر چه بیشتر این لایه با ساختارها و هنجارهای کودکان در «هویت فردی» سبب خواهد شد کودکان معتقد باشند که به این گروه تعلق دارند. از اینرو «من» را تبدیل به «ما» خواهند کرد. در اینحالت جمع پذیری احترام به آرای خود و دیگران نوع دوستی احترام به قوانین گروه و ... شکل خواهد گرفت. با این اوصاف شخص از وضعیت تصمیمات براساس رای «من» به سمت تصمیمات براساس رای «ما» پیش خواهد رفت. «ما» شکل گرفته راحتتر قوانین بزرگسالی را خواهد پذیرفت چرا که «ما» درونی خود را با «ما» دیگرهمسالان در لایه یک شکل می بیند. از اینرو انتخاب مراکز پیش دبستانی که تطابق بیشتری با ساختارها و هنجارهای آنان در «هویت فردی» شکل گرفته در بستر خانواده دارد از اهمیت فوق العاده برخوردار است. (صالحی فر، ۱۳۹۷)

جدا سازی فرهنگهای قومی از فرهنگ ملی و ارج نهادن به فرهنگ قومی، موجبات جداسازی آموزش و پرورش رسمی را از خانواده فراهم می کند و ستیزی بین خانواده و مدرسه فراهم می کند ستیزی که ریشه ارزشی دارد. نتیجه این مقوله نوسان تفکر پذیرش است که موجب شکل گیری تضادهایی بین خانواده و کودک می شود. به مرور کودک نوجوان می شود و خود را در میان ایده ها و تبعیض های قومی می بیند و باید با فرهنگ جدید مدرسه درآمیزد. این ستیز حاصل فرآیند به ظاهر پنهان و آشکار است که در این بین قوی ترین عامل تربیت یعنی فرهنگ قومی (هویت فردی) تضعیف شده است. (عسکریان، ۱۳۸۵)

به عقیده خدایاری فرد (۱۳۸۰)، بحران هویت هنگامی آغاز می شود که فرد نتواند ارزشها و نظریات والدین را به میزان قابل توجهی با ارزش ها و عقاید دوستان، همسالان و سایر افراد مهم در زندگی بپذیرد و عمل نماید و خود نیز نداند که کدامیک از این دیدگاهها با ارزش ها و معیارهای او تطبیق می کند و کار هویت یابی برایش دشوار و طولانی می گردد چون نمی تواند هویتی واحد برای خود کسب نماید و احتمالاً دچار بحران هویت می شود.

از موارد مهم بحران هویت در مراکز دبستانی می توان به دو مقوله استفاده از زبان رسمی و کتب درسی تدوین شده اشاره نمود. بدون شک یکی از مهمترین ابعاد هویتی مردم هر جامعه ای هویت قومی و دینی آنها است که کتاب های درسی یکی از ابزارهای مناسب برای القای هویت فرهنگی (ملی، قومی و دینی) در جریان تعلیم و تربیت هستند و انعکاس صحیح و به موقع مشخصه های فرهنگی اقوام مختلف در کتاب های درسی به همراه انعکاس صحیح هویت دینی و ملی جهت ایجاد وحدت ملی بین اقوام، می تواند احساس عدم جدایی و در حاشیه بودن قوم ها را از بین ببرد و تربیت یک شهروند مطلوب را که یکی از اهداف مهم برنامه ی درس ملی است میسر سازد. در جوامع چند قومیتی همچون ایران فرهنگهای قومی با ایجاد شیوه های زندگی خاص، سبب وجه تمایز اقوام از یکدیگر شده اند و با توجه به این که هرفردی منسوب به هر قوم به عنوان یک ایرانی باید در میان اقوام دیگر زندگی کند، بنابراین نیازمند تربیتی است که سهولت زندگی او را فراهم و او را به عنوان شهروندی ایرانی بار آورد. این در حالیکه آن چنان که لازم است فرهنگ اقوام مورد توجه قرار نگرفته است. (سلطان پور، عبدالقادر و نجم الدین حاجی تاش، ۱۳۹۴)

بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران براساس رویکرد آموزش چندفرهنگی توسط صادقی (۱۳۸۹) حاکی از توجه نسبی سند به مولفه های آموزش چندفرهنگی است. به طوری که بخش مربوط به روشهای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به طور مناسب به مولفههای آموزش چندفرهنگی توجه، اما بخش مربوط به راهبردهای یاددهی-یادگیری از آن غفلت نموده است. همچنین بخشهای مربوط به مبانی فلسفی و علمی و اصول حاکم بر برنامه های درسی و تربیتی و اهداف تفصیلی دوره های تحصیلی تا اندازه ای مولفه های آموزش چندفرهنگی را منعکس ساخته اند.

بحث و نتیجه گیری

هویت هایی که فرد در اوان زندگی اختیار می کند در قیاس با هویت هایی که متعاقب آن کسب می نماید، مقتدرانه تلقی می شوند. از اینرو توجه به بسترهای هویت یابی کودکان و تاثیرات آنها بسیار حائز اهمیت است. بنابراین در این مقاله سعی شده است که با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای، با توجه به خصوصیات کودکان، به بررسی تاثیر تعلیم و تربیت در تبیین فرآیند هویت یابی بپردازیم. نتایج نشان می دهد که بدلیل رشد ذهنی و عاطفی کودکان در این دوران، تطابق پذیری آنها افزایش یافته و اگر در فعالیتهای مراکز دبستانی توجه به تفاوت میان «هویت فردی شکل گرفته در فرهنگ بومی خانواده» و «هویت اجتماعی شکل گرفته در دبستان» نشود سبب خواهد شد انطباق پذیری کودک کاهش یابد. مراکز دبستانی از لحاظ عملکرد هم می توانند سبب تلفیق هرچه بیشتر «هویت فردی» با «هویت اجتماعی» شود و هم می تواند محلی برای تقابل این دو هویت. تناسب هر چه بیشتر این لایه با ساختارها و هنجارهای کودک در «هویت فردی» سبب خواهد شد کودکان معتقد باشند که به این گروه تعلق دارند. از اینرو «من» را تبدیل به «ما» خواهند کرد. در اینحالت جمع پذیری، احترام به آرای خود و دیگران، احترام به قوانین گروه و ... شکل خواهد گرفت. همچنین شخص از وضعیت تصمیمات براساس رای «من» به سمت تصمیمات براساس رای «ما» پیش خواهد رفت. «ما» شکل گرفته راحتتر قوانین بزرگسالی را خواهد پذیرفت چرا که «ما» درونی خود را با «ما» دیگرهمسالان در لایه یک شکل می بیند. این نتیجه با آرای برگر و لاکمن (۱۳۷۶) درباره شکل گیری «هویت اجتماعی» سازگاری دارد زیرا به عقیده آنان، هویت یکی از اجزای اصلی واقعیت ذهنی و مانند هر گونه واقعیت ذهنی در رابطه ای دیالکتیکی با جامعه قرار دارد. هویت در اثر فرآیندهای اجتماعی تشکیل می شود. پس از متبلور شدن باقی می ماند، تغییر می کند و یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می گیرد.

از اینرو پیشنهاد می گردد فعالیتهای و کتب مراکز دبستانی با توجه به فرهنگ و اقلیم حاکم بر منطقه تنظیم شود.

منابع و مراجع

- [۱] انواری محمد رضا. ۱۳۸۸، نقش رسانه در تبیین هویت دینی، مجله FPQ، سال ۲، شماره ۳، ص ۱۱-۳۱.
- [۲] برک، لورا. ۱۳۹۳، روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات ارسباران.
- [۳] برگر پیتز، لاکمن توماس، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، ۱۳۷۶.
- [۴] پیروزفر سهیلا و حسینی محمدآباد. ۱۳۹۵، نقش خانواده در تکوین هویت فردی فرزندان با تأکید بر آموزه های دینی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۱۱.
- [۵] تاجیک، محمدرضا. ۱۳۸۴، انسان مدرن و معمای هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۶، شماره ۱، ص ۹-۲۸.
- [۶] سیف، علی اکبر. ۱۳۹۱، روانشناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
- [۷] سلطان پور، عبدالقادر و نجم الدین حاجی تاش، ۱۳۹۴، اهمیت و ضرورت جایگاه فرهنگی اقوام در کتب درسی دانش آموزان ابتدایی، کنفرانس بین المللی یافته های نوین پژوهشی در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان، https://www.civilica.com/Paper-PSYCHO01-PSYCHO01_084.html
- [۸] جنکینز، ریچارد. ۱۳۸۱، هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- [۹] جزایری، مهناز. ۱۳۸۴، شخصیت پیشرفته؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- [۱۰] قیصری، نورالله. ۱۳۸۳، هویت ملی؛ مولفه ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، ص ۸۹ تا ۱۰۶.
- [۱۱] عسکریان، مصطفی. ۱۳۸۵، جایگاه فرهنگهای قومی در تربیت شهروند، نوآوری های آموزشی ویژه نامه نوآوری در تربیت شهروندی، دوره ۵ شماره ۱۷، ص ۱۳۳ تا ۱۶۲.
- [۱۲] لطف آبادی، محسن. ۱۳۹۲، خردنامه، شماره ۱۰، ص ۵۳-۶۶.
- [۱۳] نجفی علمی، محمود. ۱۳۸۳، هویت مبهم: خانواده و هویت یابی نوجوانان، نشریه معلم، شماره ۱۸۷، ص ۲۸-۳۰.
- [۱۴] معین، محمد. فرهنگ فارسی ج. ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.

[15] <https://www.tebyan.net/>